



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۳/۱۳

د ص سعیدی

## جرقه کوچک، تراژیدی بزرگ

چه کوچک و چه بزرگ، چه در مقایسه چه بزرگ و چه در مقابل چه خورد است؟  
سوالات و مقایسه نسبی است!

اما جرقه خورد موجب جنگ بزرگ ما را به فکر مبحث میاندازد که در اوایل قرن گذشته داغ بود. متفکرین چپ روسی به این باور بودند که برای یک انقلاب کارگری و سوسیالیستی در وجود شرایط عینی و ذهنی ممکن و ضرورت است و بدون وجود و بدون به میان آمدن چنین شرایط عینی و ذهنی، نمی توان به انقلاب سوسیالیستی موفق گردید! ایشان بر عکس گذشته های خود که در جهان یکباره انقلاب با بوجود آمدن شرایط عینی (حکومت دیگر نتواند، ماند سابق حکومت کند و مردم نه گذارند، مانند سابق بالای شان حکومت شود...)، و ذهنی صورت میگیرد که در رأس آن حزب ... انقلاب راکامیاب رهبری میکنند...! اما مایوستها - کمونستهای چینیایی ... تاکید داشتند که یک جرقه کوچک میتواند و میشود، که منجر به انقلاب بزرگ گردد و شود، چنانچه ترور یک ولیعهد فریدانند... سبب آغاز جنگ جهانی اول شد!

... واقعیت چنین است که این بحثهای تیوریکی در اذهان عده، به صورت آگاهانه و نا آگاهانه به نحوی از انحاء، باقی مانده و به مناسبتهای مختلف آنرا انطباق در اظهارات و تحلیل های خود انعکاس میدهیم!

به محاسبات من حوادث کوچک مانند یک جرقه میتواند، مانند یک بسته و مجموعه، سبب جنگهای بزرگ تلقی گردد و شود، ولی وجود شرایط عینی و ذهنی و عوامل متعدد قبل از همه دست به دست هم میدهند و سبب حوادث بزرگ شده میتواند، که نمی توان، مجموعه این حوادث به هم مرتبط را به صورت منفرد مانند حادثه کوچک محاسبه کرد، بلکه مجموعه، به هم پیوسته ای این حوادث «کوچک» موجب وقوع حوادث بزرگ شده میتوانند! کشتن فجیع فرخنده و به تعقیب آن حریق فجیع ایشان از قبل حوادث مرتبط کوچک و مباحث در پارلمان افغانستان و فتوا های از قبل در رابطه به شماری از عمل های جمهورییت آن وقت و تلاش های ضد اذهان عامه و عقاید مردم، دست به دست هم از قبل داده، که موجب شود، کتله از انسان هاچنان وحشی عمل کنند که در ابتدا افراد با تجربه هم درین مورد این جنایت، لغزش های واقعاً تأسف بار داشتند! بلی این حالت غیر قابل قبول و غیر انسانی، در نتیجه، مجموعه از حوادث قبلی بود که در آن یک قضیه انفجار کنان، تبارز یافت!

تقویت دهشت و ترور، اعتقادات افراطی دینی در نتیجه حوادث به هم پیوسته عمل میکنند و سبب اضرار و حالات خطرناک در جهان نیز شده اند و میشوند که نمی توان این حوادث خورد را کل عامل به وجود آمده حوادث بزرگ خواند، بلکه جز از عاملین به وجود آورنده بزرگ مانند مجموعه و بسته و در موارد به نتیجه گیری های بی منطق (کنتر اپردکتیف) هم شده میتواند و شده است!

استدلال تروریست افراطی که تو شهر من و قریه من را بمبارد میکنی، و من بس و قطار ریل و هواپیما را، منطق ناروا و افراطی غیر قابل قبول و غیر منطقی است که تروریست آنرا در نهایت امر درک نمی کند، که در نتیجه هردو عمل شهروند و انسان بی گناه کشته و متضرر میشود و این در اسلام و دین و انسانیت کار حرام است! انفجار و انتحاریکه موجب قتل و ضرر به انسان بی گناه شود، در اسلام حرام قطعی است و حدیث صحیح است که عامل چنین عمل تروریستی بوی جنت را نه خواهد دید!

عدم کارآبودن عمل اجرایی، اپراتیوی سازمان ملل متحد، با میکانیزم، دیر جنبیدن آن، مصارف اداری آن، صلاحیت های محدود آن، همه و همه سازمان ملل متحد را بی دندان و بی پنجال ساخته و در موارد گویا خسی کرده است! زمانیکه در مرتفعات جولان سوریه در سالهای گذشته، عساکر صلح (فیس کیفر) سازمان ملل متحد به جانب عساکر متجاوز مخابره میکنند، که شما عوض هدف ضد تروریستی تان به اشتباه، مارا مورد و هدف شلیک توپخانه خود قرار داده اید، در مخابره جانب متجاوز میگوید: ببخشید، کواوردینه بدهید که شما دقیقاً به کدام زاویه قرار دارید که

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

توپخانه ما، شما را در نزدیکی شلیک توپهای ماقرار داده است؟ جانب عساکر سازمان ملل متحد، کروکی دقیق موقعیت خود را به جانب متجاوز می‌دهند، به گمان اینکه حال مصئون شدند و مورد اصابت توپخانه ای متجاوز قرار نمی‌گیرند! بیخبر از آنکه خود برای متجاوز، کواور دینه ای دقیق خود را دادند و متجاوز عساکر فیس کیپر سازمان ملل متحد را، با همین کو اوردینه ای دقیق، نشانی می‌گیرند و از بین می‌برند! سازمان ملل متحد در مورد توانست صرف لاش‌های عساکر خویش را جمع کند و صرف نکوهش کرد و ختم!

مسلم این است که می‌کانبیزم و ساختار سازمان ملل متحد، در ابعاد مختلف نا کار آمده است و خود این حق ویتو برای اعضای دایمی شورای امنیت سازمان ملل متحد، به بی‌پنجال و بی‌دندان ساختن، این سازمان کمک می‌کند!

سازمان ملل متحد، حکومت بالای حکومت جهان نیست! همانقدر صلاحیت دارد که کشور های عضو برای شان می‌دهد!

بحث بر موضوعات، و اجنداء در شورای امنیت سازمان ملل متحد، صرف و صرف توسط و از راه خود شورای امنیت سازمان ملل متحد بعد از فرصت حق ویتوی اعضای دایم (شورای امنیت سازمان ملل متحد)، ممکن است و جلسه سراسری سالانه سازمان ملل متحد، یک گردهمایی خالی کردن، باد دل است و چندان کاری عمل نمی‌تواند و نه کرده است!

یک بام و دو هوا در مورد فیصله های سازمان ملل متحد، حال دیگر به همه روشن است! بدون تغییر یک سلسله قواعد کاری و صلاحیتهای این سازمان ضروری برای نظم جامعه جهانی و عمل کرد موثر و کاری این سازمان ممکن نه خواهد شد و این سازمان دیگر اتوریتة لازم نه خواهد داشت! بلی عدم کارایی این سازمان و شناخت ابر قدرتها و زور گویان، ازین وضع، سبب تکرار تخلفات بزرگ جهانی شده که پروسه و مجموعه از حوادث خورد است، صرف یک حادثه خورد، که گویاعامل مستقل حوادث خطرناک بزرگ جهانی شود، برداشت دقیق نه خواهد بود و نیست!

جهان به انحطاط بزرگ اخلاقی مواجه است و این حقایق را همه میدانند! حق شناخته و تشخیص میشود، ولی مجبور به سکوت و عدم اقدام کارایی اند!

جزیه گیری استخبارات، تهدید های خبر ساز جهان و به هدر دادن و مصرف خون و خزانة مالیة دهندگان آمریکا در جنگهای بزرگ زور گویی، مواجه کردن مردم اسرائیل به نفرین جهانی و تجاوز، بی عدالتی های در جهان، زندانی و تعذیب مردم ساکن در پاکستان امروز در خلاف قانون و زندانی ساختن صدراعظم پاکستان به بهانه های طفلانه و مسخره (فروش ساعت دستی و کدام تصویر هدیه شده به صدر عمران خان)، تجاوز ارمی پاکستان بر خاک افغانستان و کشتن افغانها و سکوت جهان در برابر آن و بر علاوه سکوت، پشتیبانی از آن و ... حوادث منفرد خورد نیستند که موجب حوادث بزرگ جهانی میشوند و جهان بیشتر و بیشتر به انقطاب، تقسیم و تقابل میرود و در موارد، بشریت دارد پل های عقبی را هم از بین میبرد!

عمل کرد جهان در جنگ اوکراین و روسها نادرست و موجب قتل و کشتار میلیونها انسان و در نتیجه محاسبات غلط معماران اصلی آن بوده و هست!

اوکراین و مردم آن بیشتر از پیش متضرر و تباہ شدند و روسها هم همه چیز را در خدمت جنگ قرار دادند! آمریکا در دام جنگ ایران کشانده ید و افتاده که اضرار زیاد، مصارف گزاف و تجرید خود را از جهان و اروپاء خود رقم میزند، و این به نفع مردم جهان و امریکا نیست! مطمیناً خالی شدن سلاح کولتهای امریکا در جنگها موجود در جهان، عده از کشور های جهان رابه خریداری سلاحهای جدید و اخواهد داشت، و کارتهای سلاح سازی مفادهای بزرگ بدست، خواهند آورد، اما به نفع اکثریت مطلق مردم جهان و خود امریکا نیست و این در نتیجه حوادث منفرد خورد نیست، بلکه مجموعه از حوادث خورد و بزرگ است، که جهان و هستی ما را به مخاطره مواجه ساخته و جهان ما را به بحرانهای های عمیق کشانده و میکشانند!

نرخها و معیشت زندگی، حق اقل ۳۰-۴۰ فیصد بلندرفته و عواید مردم در کل یا پایین آمده و یا در همان حد قبلی قرار دارد که جوابگوی بلند رفتن مصارف موجود زندگی نیست!

مردم در یک ترس و سراسیمگی بسر می‌برند! تصادفی نیست که عده از سیاسیون مفت خور افغان هم به هر در و دیوار زده، حتی تجاوز آشکار پاکستان بر افغانستان و قتل افغان رادر نتیجه آن پشتیبانی نموده و حد اقل به تخطی تمام اصول اخلاقی و ضد انسانی موضع مشترک به تجاوز پاکستانی می‌گیرند و از چنین موضع، شرم هم ندارند! بلی این ممکن مجبوریت شان و یا در کنه شان باشد! ایشان جنایات جاری نیروی های امنیتی پاکستان علیه افغانهای مقیم در پاکستان امروز را نادیده گرفت و تجاوزات به هزت و شرف مردم مجبور افغان را در پاکستان امروز، اصلاً نمی‌بینند و دیدن نمی‌خواهند! بلی این همه در نتیجه حوادث خورد، نه، بلکه مجموعه از حوادث متعدد است که موجب تهدیدات بزرگ و از جمله بحران در بحران و در موارد امید در عالم اسباب را از همجو افراد، به صفر میرساند!

لذا در تحلیل و ریشه یابی و آسیب شناسی باید به نکات تمرکز کرد که در نهایت امر، راه بیرون رفت باشد، و یا ممد راهها بیرون شدن از بحران گردد!  
و من خواننده را در انتخاب راه درست، استقامت دهد!  
راه حل:

تمرکز به نسخه و راهکار بیرون رفت از بحران، اصل یک شهروند و یک رأی و توافق به حل اقل ها درین مرحله و عدم تمرکز به تقسیم مرغان هوا و مقامات حکومتی و ریاستی و عدم تمرکز به رهبر و زعیم سازی، درین مرحله! رهبر و زعیم را ملت افغا و نسخه کاری اش میسازد و این یک چیزی دایمی و مادام العمر در عصر امروز، اصلاً نیست!

تمرکز بر نسخه و رسیدن به راهیکه ملت سالار و در چوکات ارزشهای، ملی و اسلامی ما، بدون نفیة هیچ حرکت و سازمانیکه، این قاعده کار را قبول کند!

در نهایت امر متمدن ساختن زندگی و مبارزه سیاسی که هر جانب افغانی فرصت داشته باشد، تا مشروعیت، نسخه خروج از بحران را بعد از توافق چند مرحله ای و کسب مشروعیت لازم، مورد استفاده قرار بدهدو خود را بر ملت تحمیل کردن، تلاش مذبححانه نه کند!

تمام افراد و ساختار های سیاسی افغان بدانند که دیگر وقت به جان زدنهای گذشت ، درایت و درک سیاسی مردم بلند است و دیگر فریب نمی خورند!

افغانستان حل قومی و زبانی ندارد، واصل شهروندی و نسخه ای خروج از بحران، چند مرحله ای باید، اساس کار مشترک شود!

و من الله التوفیق  
دوکتور صلاح الدین سعیدی  
۲۰۲۶/۰۳/۱۲  
۰۰۴۷۸۸۶۴۷۴۶۳۸